

مختار نامہ عطار نشابوری
باب دوم: در نعت سید المرسلین صلی اللہ
علیہ وسلم

فهرست مطالب

- شماره ۱: صاحب نظری که هیچ افکنده نبود ۴
- شماره ۲: صدری که زهرچه بود برتر او بود ۵
- شماره ۳: صدری که زهر دو کون، در میثی بود ۶
- شماره ۴: زان پیش که نه خیمه افلاک زدند ۷
- شماره ۵: هم رحمت عالمی ز ما ارسلناک ۸
- شماره ۶: آن حسن که در پرده غیبت نهان ۹
- شماره ۷: فرمانده ملک انبیا کیست تویی ۱۰
- شماره ۸: برد که حق کراست این عر که تراست ۱۱
- شماره ۹: ای رحمت عالمین، رحمت از تست ۱۲

شماره ۱۰: در است تو اگر مطیع نبودی،
۱۳

شماره ۱۱: چون هست شفیق چون تو صاحب کرمی
۱۴

شماره ۱۲: تا هست ز انکشت تومر را راهی
۱۵

شماره ۱۳: هم چار کمر، چاکر دربان تواند
۱۶

شماره ۱: صاحب نظری که هیچ افکنده نبود

صاحب نظری که هیچ افکنده نبود	تا از نظر شفاعتش زنده نبود
سلطان دو کون و بنده خاص حق اوست	آن بنده که خواجسته راز او، بنده نبود

شماره ۲: صدری که زهرچه بود برتر او بود

صدری که زهرچه بود برتر او بود	مقصود ز اعراض و ز جواهر او بود
آنجا که میان آب و گل بود آدم	در عالم جان و دل، پیامبر او بود

شماره ۳: صدری که زهر دو کون، در میشی بود

صدری که زهر دو کون، در میشی بود در حضرت حق غرقه ییغوشی بود
با این همه جاه و قدر و قهرت، کوداشت، از جمله تفاخرش به درویشی بود

شماره ۴: زان پیش که نه خیمه افلاک زدند

زان پیش که نه خیمه افلاک زدند وین خیمه به گرد توده خاک زدند
در عالم جان برابرش نشستند بر قصر قدم نوبت لولاک زدند

شماره ۵: هم رحمت عالمی زما ارسلناک

هم رحمت عالمی زما ارسلناک هم مایہ آفرینشی از لولاک
حق کرده مذا بجانست اسی کوهر پاک! لولاک نانا خلقت الافلاک

شماره ۶: آن حسن که در پرده غیبت نهان

آن حسن که در پرده غیبت نهان	وزیر تو اوست حسن در هر دو جهان
یک ذره اگر شود از آن حسن عیان	ظاهر کرد و صد آفتاب از یک جان

شماره ۷: فرمانده ملک انبیا کیست تویی

مصدق تغزمن تشاکیت تویی	فرمانده ملک انبیا کیست تویی
هم دامن خلوت دنیا کیست تویی	روشن نظر اقدار ای کیست تویی

شماره ۸: برد که حق کراست این عرکه تراست

وز عالم قدس این مجاهرکه تراست	برد که حق کراست این عرکه تراست
این منزلت و مقام و معجزکه تراست	حقا که نیافت هیچ پیغامبر حق

شماره ۹: ای رحمت عالمین، رحمت از تست

عصیان ازما، چنان که عصمت از تست،	ای رحمت عالمین، رحمت از تست
چون پستی عاصیان امت از تست	لطیفی بکن و روی مکردان ازما

شماره ۱۰: در امت تو اگر مطیع نبود،

بر پستی چون توئی بدیع نبود	در امت تو اگر مطیع نبود،
آن را که بحق چون تو شفیع نبود	شاید که ز بیم معصیت خون کرید

شماره ۱۱: چون هست شفیع چون تو صاحب کرمی

چون هست شفیع چون تو صاحب کرمی کس را نبود در همه آفاق غمی
گر رنج کنی از سر لطفی قدمی کار همه عاصیان بسازی به دمی

شماره ۱۲: تاهست زانگشت تومه راراهی

میشکافدماه فلک، هرماهی

تاهست زانگشت تومه راراهی

دشش کیرد چون توشاعت خواهی

تاروز قیامت که درآید ازپای

شماره ۱۳: هم چارگهر، چاکر دربان تواند

هم چارگهر، چاکر دربان تواند	هم هفت فلک، حلقه ایوان تواند
جانمای جهانیان، دین حبس حواس،	اجراخور نیایان دیوان تواند